گفتگو; مريم مدملي \"شاهد حضور روزافزون زنان در جلسات تبليغي هستيم\"

گفتگو با مريم مدملي در موضوع زنان و تحول جلسات تبليغ ديني

مريم مدملي، کارشناس فلسفه و داراي تحصيلات در مقطع خارج فقه و اصول است. 20 سال است که فعاليت‌هاي تبليغي از حدود 12 سال پيش تاکنون با دفتر نهاد مقام معظم رهبري در دانشگاه‌ها همکاري داشته و هم‌اکنون عضو کارد علمي دفتر مطالعات و تحقيقات زنان و مسئول برنامه‌ريزي و ارزشيابي تحصيلات تکميلي حوزه‌هاي علميه خواهران است. همچنين در جامعه الزهرا نيز به تدريس اشتغال دارد.

توجه نهاد تبليغ به موضوع «زن و خانواده» به چه ميزان است؟

رابطه و تعامل نهادهاي تبليغي با مسئله زن و خانواده را مي‌توان در دو محور مورد بررسي قرار داد. گاهي حقوق، نقش، وظايف و کارکردهاي زن در خانواده مدنظر است که در اين صورت بايد گفت که اگر چه بحث زن و خانواده، ‌جزء اولويت‌ها به‌شمار نمي‌آمده و توجه مبلغان و نهادهاي تبليغي را جلب نمي‌کرده است و از اين حيث زنان در حاشيه مي‌ماندند ولي به صورت پراکنده و گاه گزينشي برخي از محورهاي مربوط به زنان در جلسات تبليغي ارائه مي‌شد. مثل اينکه اکثر بحث‌هاي مربوط به تکاليف و وظايف زن به عنوان همسر يا مادر در جلسات مطرح مي‌شد و به مسائل ضروري زنان پرداخته نمي‌شده است. هر چند در سال‌هاي اخير و با گسترش فعاليت‌هاي تبليغي براي بانوان چه از ناحيه مبلغان زن و چه از جانب مبلغان مرد سعي شده است که نسبت به همه و يا اکثر ابعاد ناظر به زن و خانواده پرداخته شود. گسترش مباحث جنسيتي، ‌آشنا شدن نسبي بانوان با حقوق ويژه خود و تسلط و توسعه مباحث حقوقي بر مباحث اخلاقي براي همه اقشار جامعه و از جمله زنان باعث شده است که اين جريان يعني توجه ويژه به زن و خانواده در ساليان اخير اوج بيشتري بگيرد. البته طبيعتاً استقبال در قشر تحصيل‌کرده از اين فضا موجب وسعت و گستردگي اين قبيل مباحث در سطوح تخصصي و دانشگاه‌ها گرديده است. اما تاريخچه توجه به «زن» به عنوان «مخاطب» در نهاد تبليغ، به وسعت خود تبليغ است. به تعبير ديگر، برخي عوامل و از جمله تناسب جلسات تبليغي با روحيات زنانه، موجب مي‌شود اين قشر همواره به عنوان رکن اساسي نهاد تبليغ به شمار آيند. اين امر در حال حاضر به دلايل گوناگوني که در قسمت‌هاي بعدي به تفصيل ارائه مي گردد بيشتر نيز شده است. به نظر مي‌رسد واقعاً بايد از اين حيث به زنان اهميت ويژه‌اي داد. زيرا خانواده، اساسي‌ترين زمينه براي جهت‌دهي و تحقق تحولات فرهنگي به‌شمار مي‌آيد. بنابراين براي هدفمند کردن جريان‌هاي گوناگون فرهنگي و دستيابي به حداکثر نتيجه، لازم است‌ زنان که به عنوان محوري‌‌ترين عضو در عرصه مناسبات تربيتي خانواده، مطرح هستند‌ کانون توجه کساني قرار گيرند که وظيفه برنامه‌ريزي کلان در جهت آشنا کردن جامعه با مؤلفه‌هاي ديني را دارند. نقش بي‌بديل زنان در اين زمينه به هيچ وجه قابل انکار نيست. البته توجه به زنان تنها به دليل نياز ويژه آنان به چنين توجهي نيست، بلکه به دليل نياز جامعه به مداخله مؤثر زنان در عرصه‌هاي فرهنگي است.

چشم‌پوشي از ظرفيت بالاي زنان در اثرگذاري بر تحولات فکري-تربيتي و فرهنگي در خانواده و خارج از خانواده مي‌تـواند به از دست رفتن سرمايه ارزشمند و بي‌بديل انساني و اجتماعي منجر شود.

بر اين اساس آموزش، فرهنگ‌سازي و فعال‌سازي و حمايت از زن در جريان تحولات مهم فکري جامعه، راهبردي اساسي در عرصه تبليغ به‌شمار آيد.

چه بخش‌هايي از مسائل زنان بيشتر مورد توجه نهاد تبليغ قرار گرفته است؟

محورهاي گوناگوني را مي‌‌توان به عنوان محورهاي مورد توجه نهاد تبليغ برشمرد.

همان‌گونه که گفته شد، موضوع زنان در تبليغ سنتي وجود داشت و تحت تأثير فضاي حاکم بر جامعه بيشتر به محورهايي مانند وظايف زن در خانه از حيث همسري و مادري توجه مي‌کرد، در جلسات امروز، علاوه بر کارکردهاي سنتي، مباحث ديگري نيز مطرح مي‌شود. يکي از آن مباحث، بررسي و تحليل ديدگاه‌هاي فمينيستي و تأثير آن بر تحولات زنان و خانواده است. بيشتر مبلغان چه در قالب جلسات سخنراني و چه در قالب نوشتن مقاله و کتاب، تغييراتي که در نگرش نسل جديد متأثر از جريان فرهنگي و تبليغي فمينيسم ايجاد شده است را مورد بررسي قرار مي‌دهند و گاه در سطوح بالاتر، به نقد بن‌مايه‌ها و رهيافت‌هاي فمينيستي نيز مي‌پردازند.

مباحث روان‌شناسي ناظر به ويژگي‌هاي رفتاري و گفتاري زنان به عنوان مادر يا همسر و همچنين مباحث حقوقي مورد توجه است. البته مباحث حقوقي عموماً تحت‌تأثير استقبالي است که اقشار مختلف جامعه از حاکميت فضاي برابري در خانواده و جامعه و همچنين توسعه فردگرايي و آزادي‌هاي فردي در فضاي عمومي دانسته‌اند. مباحث اخلاقي نيز از جمله مباحثي است که هميشه مخاطبان خاص خود را داشته و دارد.

آيا جلسات مذهبي زنانه تحول يافته‌اند؟ به نظر مي‌رسد اغلب جلسات تبليغي ديني در حال زنانه شدن هستند، يعني مخاطبان زن هستند. آيا اين موضوع پديده جديدي است؟ مشاهده مي‌کنيم جلسات بزرگ تبليغ زنانه شکل مي‌‌گيرد و جلسات در حال تغيير سبک دادن هستند. برداشت شما از اين تحولات چيست؟

در امر تبليغ بايد به اين مسئله توجه ويژه داشت يعني همواره زنان به دلايلي از جمله علاقه به مسائل مذهبي و عرفاني و داشتن فرصت بيشتر، حضور پررنگ‌تري در جلسات مذهبي دارند. تعداد جلسات تبليغي زنانه بيشتر شده است و در جلسات مذهبي مشترک نيز، زنان حضور بيشتري دارند. البته اين مسئله در گذشته نيز وجود داشت و اگر مانعي براي حضور اجتماعي زنان در عرصه تبليغ نبود، زنان درصد بيشتري از مخاطبان تبليغ را به خود اختصاص مي‌دادند.

ناگفته نماند گسترش روش‌هاي تبليغي و منحصر نبودن در حالت سنتي سابق که بيشتر جنبه سخنراني داشت، از يک سو و فراغت ويژه‌اي که بر اثر ماشيني شدن بسياري از فعاليت‌هاي خانگي براي بسياري از زنان ايجاد کرده است از سوي ديگر باعث اقبال به جلسات زنانه شده است البته خلأهايي که زندگي مدرن فعلي براي خانواده‌ها ايجاد مي‌کند، مثل تنهايي نيز حضور بيشتر زنان در جلسات تبليغي را رقم زده است.

عوامل ديگري را نيز بايد به سلسله عوامل اين تحول اضافه کرد. شکل‌گيري سازمان‌هاي مردم‌نهاد باعث شده که از بطن اين جلسات، تشکل‌هايي هر چند کوچک،‌ براي اهداف و آرمان‌هاي متفاوت و گاه مختلف شکل بگيرد. پيوندهاي همسايگي، درون‌محله‌اي، صله رحم،‌ عيادت، برنامه‌هاي زيارتي و تفريحي، قرض‌الحسنه‌هاي خانگي، همه جزء اموري هستند که رغبت برخي افراد را که زمينه‌هاي مذهبي کمتري دارند به اين گونه جلسات بيشتر مي‌کند.

اشتياق زنان به شرکت در اين‌گونه جلسات و همچنين مديريت کردن جلسات تبليغي توسط خود زنان دو رويه مثبت و منفي دارد. يعني ضمن اينکه مي‌تواند يک فرصت خوب هم براي نهادهاي فرهنگي و هم براي خود بانوان باشد ولي اگر مديريت صحيح در قبال آن انجام نگيرد،‌ مي‌تواند آفت‌ها و آسيب‌هاي جدي نيز به بار آورد. که در اين صورت زمينه تهديد افزايش مي‌يابد.

آيا با طبقه جديدي به نام «مبلغان زن» مواجه هستيم؟

نمي‌توان ادعا کرد که طبقه جديدي به نام مبلغان زن در جامعه در حال پيدايش است،‌ زيرا يک بررسي تاريخي نشان مي‌دهد که حضور زنان به عنوان مبلغ، ‌تنها به عصر ما و يا حتي دين اسلام مربوط نمي‌شود، ‌بلکه در اديان ابراهيمي نيز زنان نقش تبليغي را ايفا مي‌کرده‌اند، آنچه مي‌توان ادعا کرد اين است که مشارکت زنان در امر تبليغ بيشتر از تمامي زمان‌هاست که آن هم دلايل خاص خودش را داراست.

اهتمام ويژه نهادهاي تبليغي و احساس ضرورتي که بالفعل در اين‌گونه نهادها نسبت به امر تبليغ براي همه اقشار جامعه احساس مي‌شود، به طور عام و استقبال ويژه و گرم زنان در مقاطع سني و رده‌هاي شغلي و علمي گوناگون از برنامه‌هاي تبليغي، به صورت خاص، بستر مناسبي را براي امر تبليغ فراهم کرده است. رشد علمي و بالا رفتن توان ارائه مطالب در قالب‌هاي گوناگون، توسط زنان مبلغ، خود‌به‌خود زمينه را براي حضور بانوان مبلغ فراخ مي‌کند. براي مثال تبليغ به صورت رو در رو، تأثيرگذارتر است و اقشار گوناگون براي بهره‌گيري از ظرفيت‌هاي ويژه‌ برخي مبلغان، آگاهانه‌تر رفتار مي‌کنند. از جمله مي‌توان به توانايي ارائه مشاوره در برخي زنان اشاره کرد که از آنجايي که زنان احساس نياز بيشتري به اين جلسات دارند در اين زمينه در زنان مبلغ بيشتر است لذا خودبخود موجب استقبال از مبلغان زن شده است.

به بيان ديگر، يکي از صور تبليغ مشاوره است؛ زنان چه به عنوان مبلغ و چه به عنوان مخاطب تبليغ، کارآيي ويژه‌اي در اين زمينه دارند. اين مسئله با آشنايي برخي مبلغان، به متون مشاوره مي‌تواند مؤثر باشد چون برخي مشاوره‌ها که روان‌شناسان و مشاوره‌گران غيرمبلغ ارائه مي‌‌دهند، کارايي ندارد. (زيرا تعهد که نقش ويژه‌اي در فضاي فعلي حاکم بر جامعه ما دارد، در اين علم کمرنگ است).

زنان براي حل مشکلات حال و آينده‌شان با ديگران صحبت مي‌کنند و هرچه بيشتر صحبت کنند، به آرامش بيشتري دست مي‌يابند. براي زنان طرح مسئله با ديگران براي ارائه راه‌حل، نشانه‌اي از عشق و اطمينان به‌شمار مي‌آيد. اين يکي از زمينه‌هايي است که فرصت مناسبي را براي زنان مبلغ ايجاد مي‌کند. مهارت همدلي و همراهي در زنان مبلغ، آنان را در ايفاي اين نوع تبليغ ياري مي‌دهد.

علت اقبال زنان مذهبي به اين جلسات،‌ با شکل‌هاي خاص خود چيست؟ هر چند گاهي افراد غيرمذهبي نيز به اين جلسات جذب مي‌شوند، اما چه ظرفيت‌ها و ويژگي‌هايي در اين جلسات وجود دارد که قشر مذهبي را بيشتر جذب مي‌کند؟

گرايش زنان به جلسات مذهبي در دو محور پيگيري مي‌شود؛ محتواي اين جلسات و ظرفيت ويژه‌اي که در بانوان وجود دارد. مي‌توان عوامل زير را در بررسي ظرفيت و قابليت‌هاي خاص زنانه برشمرد:

الف: گرايش و ميل زنان به امور مذهبي و ديني بيشتر است. بنابراين هر چه رنگ و بوي ديني داشته باشد، براي زنان از احترام ويژه‌اي برخوردار است؛ بسياري از زنان حضور در اين‌گونه جلسات را امري بسيار مقدس تلقي مي‌کنند؛

ب. زنان براي پذيرش برخي مباحث عرفاني و شهودي که در اين‌گونه جلسات مطرح مي‌شود، هم آماده‌ترند و تمايل بيشتري به طرح چنين مباحثي دارند. شايد يکي از عوامل اصلي حضور برخي بانوان غيرمذهبي در اين‌گونه جلسات، همين عامل باشد؛

ج. بيشتر زنان فرصت بيشتري براي شرکت در جلسات مذهبي دارند؛

د. تفاوت زن و مرد در گرايشات اخلاقي، علت ديگري براي استقبال بيشتر زنان از جلسات مذهبي است، زيرا در بسياري از اين جلسات، مباحث اخلاقي ارائه مي‌شود. دانستن و عمل کردن به دستورات اخلاقي، در زنان بيشتر مورد توجه قرار مي‌گيرد؛

ه. قوه عاطفه و گستره احساسات در بانوان که از لطافت روح آنان ناشي مي‌شود و با برخي موقعيت‌هاي ويژه آنان تناسب دارد، پايگاه رشد و شکوفايي اعتقادات، باورها و ارزش‌ها تلقي مي‌شود؛ لذا به صورت طبيعي علاقه بيشتري به جلساتي که اين‌گونه مطالب در آن ارائه مي‌گردد نشان مي‌دهند؛

و. تأثيرپذيري بيشتر زنان که در عواطف و احساسات رقيق زنانه ريشه دارد و ميل به الگوگيري در آنان؛

عواملي نظير عوامل فوق، متأثر از ظرفيت‌هايي است که در جنس زن وجود دارد و موجب تمايل بيشتر آنان (اعم از مذهبي و غيرمذهبي) به شرکت در جلسات مذهبي مي‌شود.

دسته ديگري از عوامل، به محتواي جلسات مربوط مي‌شوند:

آشنايي زنان، به‌خصوص زنان مذهبي نسبت به نقش تربيتي‌شان موجب شده است که چنين مواردي را مورد تحليل و بررسي قرار ‌داده، و اقبال بيشتري نسبت به آن داشته باشند.

آموزه‌هاي ديني نسبت به نقش زنان و ميزان تأثيرگذاري آن در فرد، خانواده و اجتماع حساسيت دارند. زنان در آموزه‌هاي ديني به ايفاي نقش مادري و همسري در قالب دلسوزي، عاطفه‌ورزي با فرزندان، رعايت عفاف،‌ تواضع و آراستگي در مقابل همسر، انجام دادن کارهاي خانگي،‌ حفظ اموال خانواده و حسن ارتباط جنسي با همسر فراخوانده شده‌اند، اين امر از نگاه تيزبين برخي مبلغان دور نمانده است. از سوي ديگر خودباوري مثبتي که به‌خصوص در زنان مذهبي نسبت به قابليت ويژه تأثيرگذاري در خانواده و اجتماع در صورت ايفاي درست نقش‌شان، ايجاد شده است، موجب مي‌شود شرکت در برخي جلسات را ضروري بشمارند. باور بسياري زنان اين است که در نظام اسلامي، زنان از لحاظ گوهر هستي و اصل مبدأ، همتاي مردان تلقي شده‌اند و همانند مرد به تناسب طبيعت و ماهيت شخصي خود، حقوق، وظايف و مسئوليت‌هايي دارند و در مجموعه با توجه به مسئوليت‌هاي زن در جامعه اسلامي، نقش تربيتي او به عنوان مادر، بيشترين اهميت را دارد.

آيا محتواي جلسات مذهبي زنان مورد بررسي قرار گرفته‌اند؛ چه آسيب‌هايي اين جلسات را تهديد مي‌کند؟‌

متأسفانه نهادهاي تبليغي بيشتر به توسعه کمّي در تبليغ توجه دارند؛ به علاوه تعدد و تنوع اين‌گونه جلسات از يکسو و تنوع فضاهاي مجاري اعزام مبلغ از سوي ديگر و همچنين خودجوش بودن برخي گردانندگان جلسات مذهبي، نظارت را غيرممکن مي‌کند. بسيار اتفاق مي‌افتد که فردي با حداقل اطلاعات مذهبي و به اين دليل که احساس مي‌کند مي‌تواند برخي مسائل را پاسخ دهد، اين‌گونه جلسات را برگزار مي‌کند و اين امر به معناي جريان غيررسمي تبليغ است. در اين شرايط، چه نهادي مي‌تواند موضوعاتي را که در اين‌گونه جلسات مطرح مي‌شوند، رصد کند؟

بنابراين اساساً رصد و نظارت بر اين‌گونه جلسات امر غيرممکن يا بسيار مشکلي است ولي در عين حال برخي موارد را مي‌توان به عنوان آسيب‌هاي تبليغ برشمرد. از آن جمله:

1- در اکثر اين جلسات، سخنراني تحت تأثير مداحي قرار مي‌گيرد. به اين‌صورت که انگيزه اصلي و اوليه مراسم برگزاري مراسم روضه و نوحه است و در کنار آنها مراسم سخنراني به‌پا داشته مي‌شود که گاه خود مداح به صرف آشنايي با مداحي و اصول آن به سخنراني هم مي‌پردازد.

2- آموزش و بيان مسائل ضروري مثل آشنايي با احکام امري فرعي است، مسئله اصل در بسياري از اين جلسات، غير از آموزش و بيان احکامي است که شناخت نسبت به آنها ضروري است.

3- رنگ و بوي اين جلسات در حال تغيير يافتن است. عمدتاً جلسات به سمت عرفاني‌شدن و معنوي شدن پيش مي‌رود. حاکميت اين فضا باعث ايجاد رغبت براي شرکت در جلساتي که صبغه عرفاني دارند، مي‌شوند. خود اين مسئله، گاه مشکلات متعددي را به دنبال دارد. بسياري از افراد از وجود و تشديد اين روحيه در بانوان سوء استفاده مي‌کنند و تعدد و استقبال از جلساتي که در آنها عرفان‌هاي کذايي مثل عرفان سرخپوستي و ... حکايت از اين امر دارد.

4- حواشي غيرضروري و بسيار کم‌اهميت در اين جلسات به وفور يافت مي‌شود به دليل کمتر اهميت دادن به آموزش در اين جلسات گاه افراد عضو جلسات با مسائل درگير مي‌شوند که حتي جزء مستحبات دين هم نيستند بلکه جزء خرافات و زوايد هستند که به دين ضميمه شده‌اند.

5- گاه اين جلسات صرفاً به وسيله‌اي براي وقت‌گذراني و گذران فرصت‌ها تبديل مي‌شوند،‌ گاه حتي وسيله‌اي براي گريز از خانواده و مسئوليت‌هاي درون خانواده هم تلقي مي‌گردند.

6- نبود مادران در کنار ساير اعضاي خانواده، نظارت بر ساير افراد را مشکل مي‌کند و لذا مديريت اين افراد دچار مشکل خواهد شد.

7- گاه اين جلسات به وسيله‌اي براي رقابت‌هاي تجملي و ... تبديل مي‌شوند يعني ضمن اينکه اين جلسات به سوي اسراف و تجمل‌گرايي پيش مي‌روند وسيله‌اي براي چشم و هم چشمي‌ها و ... نيز مي‌شوند.

8- اگر اين جلسات نظارت نشوند،‌ جريانات غير ديني در زير پوشش اين جلسات فعاليت‌هاي غيرديني خود را مديريت مي‌کنند يعني اين جلسات باعث شکل‌گرفتن جريانات نامحسوس غيرديني و يا حتي ضد ديني مي‌شود.